

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٤٩٩ هـ



دانشگاه سیستان و بلوچستان

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته  
فرهنگ و زبان های باستانی

عنوان:

بررسی زبان شناختی گویش طبری

استاد راهنما:

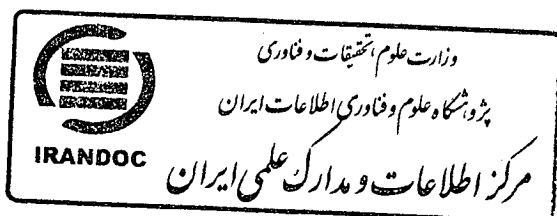
دکتر موسی محمود زهی

دانشجو:

ایوب احمدی

دی ۱۳۸۸

۱۳۸۹/۱۰/۱۴



۱۴۹۹۶۳



صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

مشخصات دانشجو			
نام و نام خانوادگی دانشجو	شماره دانشجویی	رشته	گرایش
آریب احمدی	۸۴ - ۸۶	فلسفه و مبانی تربیتی	فلسفه تربیتی

عنوان پایان نامه
بررسی میزان شناخت کوشش خیریه

امتیاز پایان نامه				
نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	سمت	امتیاز (از ۱۸)	امضاء سمت
میرزا محمودی	استاد دینار	استاد راهنما	۱۵	[Signature]
		استاد راهنما		
مصطفی تهرانی	استاد دینار	داور	۱۷	[Signature]
مهدی کریمی	استاد دینار	داور	۱۷	
میانگین امتیاز پایان نامه (از ۱۸)				

\* به توضیحات مندرج در برگه دوم توجه فرمایید.

مقالات مستخرج از پایان نامه		
عنوان مقاله	نوع مقاله	امتیاز

\* منظور از نوع مقاله علمی - پژوهشی، علمی - ترویجی یا همایش است. به توضیحات مندرج در برگه دوم توجه فرمایید.

گزارش های سه ماهه		
تعداد گزارش های سه ماهه	میانگین امتیاز (از ۳۰)	امتیاز (از ۱)
۳	۲۵/۴	۱

\* به توضیحات مندرج در برگه دوم توجه فرمایید.

جلسه دفاع در تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۲ با حضور هیئت داوران برگزار گردید و پایان نامه:

- با انجام اصلاحات جزئی  با انجام اصلاحات کلی  بدون انجام اصلاحات، مورد قبول واقع شد و با اخذ نمره ..... به عدد ..... و ..... به حروف با درجه ..... ارزشیابی شد.  مردود شناخته شد.

نام و نام خانوادگی نماینده تحصیلات تکمیلی:  
امضاء

[Signature]



فرم ارزشیابی پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشگاه تهران و لوژیستیک

تمصیلات تکمیلی

مستندات دانشجوی			
نام و نام خانوادگی دانشجو	شماره دانشجویی	رشته	گرایش
ایوب احمدی	۸۶۰۰۸۴	رشته مهندسی کامپیوتر	گرایش مهندسی نرم افزار

عنوان پایان نامه
بررسی روش‌های تشخیص کلاهبرداری

ارزشیابی				
ردیف	معیارهای ارزش	حداکثر امتیاز	امتیاز کسب شده	ملاحظات
۱	کیفیت نتاشر	۲	۱	
۲	کیفیت علمی	۳	۳	
	ارزش علمی و یا کاربردی	۵	۵	
	استفاده از منابع به لحاظ کمی و کیفی (به روز بودن)	۲	۲	
	کیفیت نظرات و پیشنهادات برای ادامه تحقیق	۱	۱	
۳	کیفیت ارائه	۲	۲	
	نحوه ارائه (رعایت زمان، تفهیم موضوع، کیفیت ارائه و ...)	۱	۱	
امتیاز نهایی پایان نامه		۱۸	۱۷	

مستندات			
نام و نام خانوادگی	عربده علمی	رشته	سمت
موسی کوروش	استادیار	رشته مهندسی کامپیوتر	استاد راهنما

\* منظور از سمت در پایان نامه استاد راهنما، یا داور می باشد.

نام و نام خانوادگی  
امضاء

موسی کوروش

\* این فرم باید به تعداد اعضاء هیئت داوران تکثیر گردد.

\* در صورتی که دو استاد راهنما راهنمایی پایان نامه را عهده دار باشند، تنها یک فرم تکمیل می شود.

## فهرست مطالب

شماره	عنوان
صفحه	
الف	پیشگفتار
۱-۹	مقدمه
۹	کلیاتی در باره مازندران (طبرستان)
۹	۱-۱ فرضیات، روش جمع آوری داده ها
۱۰	۱-۲ موقعیت زبان شناسی
۱۱	۱-۳ پیشینه تاریخی زبان طبری
۱۱	۱-۴ وضعیت جامعه زبانی در ایران کنونی
۱۲	۱-۵ بسامد جمعیت گویشوران زبان ها در ایران
۱۳	۱-۶ جامعه آماری گروه های قومی در ایران
۱۴	۱-۷ مازندرانی ها
۱۵	فصل اول: تغییرات واجی
۱۶-۱۷	۱-۱ صامت های روستایی مازندرانی
۱۷-۲۰	۱-۲ مصوت های روستایی مازندرانی
۲۱-۲۲	۱-۳ همگونی
۲۴	فصل دوم: تکواژها
۲۵-۲۹	۲-۱ پیشوندها
۲۹-۳۰	۲-۲ میانوندها
۳۰-۴۳	۲-۳ پسوندها

۴۴	فصل سوم: حالت های ساختاری
۴۵-۴۷	۳-۱ ساختار دو مفعولی
۴۷-۵۱	۳-۲ ساخت غیر شخصی
۵۲	فصل چهارم: صرف فعل
۵۳-۵۷	۴-۱ شناسه های فعلی
۵۸-۶۸	۴-۲ زمان فعل
۶۹	فصل پنجم: فهرست مصادر
۶۹-۸۲	فهرست مصادر
۸۳	فصل ششم: واژه نامه
۸۴-۹۳	واژه نامه
۹۴	نتایج پژوهش
۹۵	فهرست منابع و مآخذ

تقديم به :

پدر

و

مادر

عزیزم

## تقدیر و تشکر

سپاس و ستایش خدای را که بار دیگر توفیق پیدا و پنهانش یاری ام نمود تا بتوانم این تحقیق را به اتمام برسانم.

بر خود لازم می دانم از زحمات بی شائبه دکتر موسی محمود زهی تشکر نمایم؛ ایشان که با صبر و متانت، بار راهنمایی این پایان نامه را به جان خریدند.

سپاس و تشکر خود را به عنوان اولین فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد از مجتمع آموزش عالی ابرانشهر (دانشگاه سیستان و بلوچستان) از دکتر بهروز برجسته، دکتر محمد مطلبی و دکتر محمد حسن دوست که هر یک سهمی در به پایان رساندن دوره تحصیلی ام داشتند، اعلام می دارم. از اساتید گروه زبان شناسی، دکتر نادر جهانگیری، دکتر محمدی نیا و دکتر عباسعلی آهنگر تشکر می کنم.

از تلاش های خانواده و همسرم قدردانی می کنم.

شایسته می دانم که یادی کنم از راهنمایی های دکتر گیتی شکری و دکتر میتو شهیدی از دانشگاه Uppsala سوئد، که تحقیقات ارزنده ای درباره گویش طبری انجام داده اند.



## علائم اختصاری به کار رفته در این تحقیق

ط ← طبری

گ ← گرگانی

پاز ← امیری پازواری

ه ← همان جا

رج ← رجوع شود به

## خلاصه:

گوش و لهجه های فراوانی در کشورمان وجود دارند که بیشتر آنها شاخه ای از زبان فارسی می باشند.

این پایان نامه فقط در باره گوش طبری است. طبری در حال حاضر یکی از گوش های زبان فارسی است، این گوش که دارای ادبیات قابل ملاحظه ای بوده است هنوز واژه هایی از آن وجود دارند که ریشه در زبانهای فارسی باستان و مانوی دارند. این دیرینگی نشان دهنده این است که گوش طبری فعلی یا زبان مستقلمی بوده است یا لهجه ای از زبان فارسی باستان بوده است. این گوش در حال حاضر خود به لهجه های متفاوتی در مناطق مختلف صحبت می شود.

تحولات واجی، واژگانی و آوایی در این گوش مورد بحث قرار گرفته است. شناسه های افعال ارائه شده است که با پیوستن آن به آخر افعال، زمان های مختلف را می توان صرف کرد. پیشوندها، پسوندها و میانوندهای زیادی آورده شده است. این وندها گاهی سبب تفاوت در معنی می شوند و گاهی معنی را هم عوض نمی کنند. در مقایسه با فارسی، مثلاً، گوش طبری در صامت های خود واج /ژ/ ندارد و گویشوران روستایی نمی توانند کلماتی را که در آن واج /ژ/ وجود دارد به درستی تلفظ کنند.

**کلمات کلیدی:** طبری، زبان، گوش، لهجه، تغییرات، گویشوران

در کتاب های تاریخ و جغرافیای قدیم ایران که در سده های چهارم تا هفتم هجری نوشته شده اند، از گویش ها و لهجه ها ی گوناگون ایران زمین یاد شده است. پژوهش های گویش شناسی ایرانی از نخستین سالهای قرن حاضر در ایران و توسط ایرانیان صورت گرفته است. دانشمندان و ایران شناسان غربی هم در زمینه گویش شناسی ایرانی در ایران کارهایی انجام داده اند. ابتدا باید گفت که پژوهش گویش شناسی در دو جهت صورت می گیرد:

۱. بررسی میدانی گویش ها  
۲. بررسی متون مکتوب

از نخستین افرادی که در ایران فعالیت های گویش شناسی انجام داده اند می توان از دکتر محمد مقدم و دکتر صادق کیا نام برد که در سه دهه اول قرن حاضر (۱۳۰۲-۱۳۳۰) در این زمینه کوشیده اند. دکتر صادق کیا را می توان به عنوان یکی از پیشکسوتان گویش شناسی طبری شناخت. کار شاخص صادق کیا **واژه نامه طبری** است. واژه نامه طبری که پایان نامه دکتری اوست، نخستین تلاش وی جهت استخراج واژه های گویشی از چند متن قدیمی و بررسی آن ها، ارائه واژه نامه اشتقاقی و دستوری است. احتمالاً این اثر یکی از نخستین واژه نامه های ریشه شناختی گویشی است که از متون قدیم استخراج شده است. صادق کیا در **پیوست یک**، درباره چگونگی خط نصاب و اختلاف نسخه ها بحث می کند؛ در **دیاچه پیوست دو**، از واژه های گویش طبری در چند متن کهن مثل مرزبان نامه، نیکی نامه، قابوس نامه، باوند نامه و پنج ترجمه از مقالات حریری و چند متن دیگر یاد می کند و عبارات و شعرها را شرح می دهد. در **پیوست سه** از گاهشماری و جشن های طبری سخن می راند. کیا در سال ۱۳۳۰ **واژه نامه گرسگانی** را نیز نوشت. محتوای آن واژه نامه شامل واژگان چند متن حروفیه، اثر فضل الله استر آبادی است که گویا معاصر امیر تیمور بوده است. این کتاب شامل سه یادداشت، یکی درباره واج شناسی گویش گرسگانی، دیگری درباره دستور آن و سومین درباره ریشه تاریخی چند واژه است.

در کشورمان افرادی بوده اند که برای بررسی گویش ها طرح داده اند. دکتر منصور اختیار، دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر بهرام فره وشی و خانم دکتر ایران کلباسی از این دسته افرادند.

نخستین کسانی که درباره مآخذ و کتاب شناسی گویش مطالبی نوشته اند:

۱. نیکلاراست «فهرست مآخذ گویش شناسی و لهجه های ایرانی»

۲. دکتر ایرج افشار «کتاب شناسی زبان ها و لهجه های ایرانی»

از نویسندگان و دانشمندان خارجی که به فارسی درباره ی گویش ها نوشته اند:

۱. آرتور کریستین سن «لهجه سمنانی»

۲. ریچارد نلسون فرای «تطبیق لهجه های خوری و بلوچی»

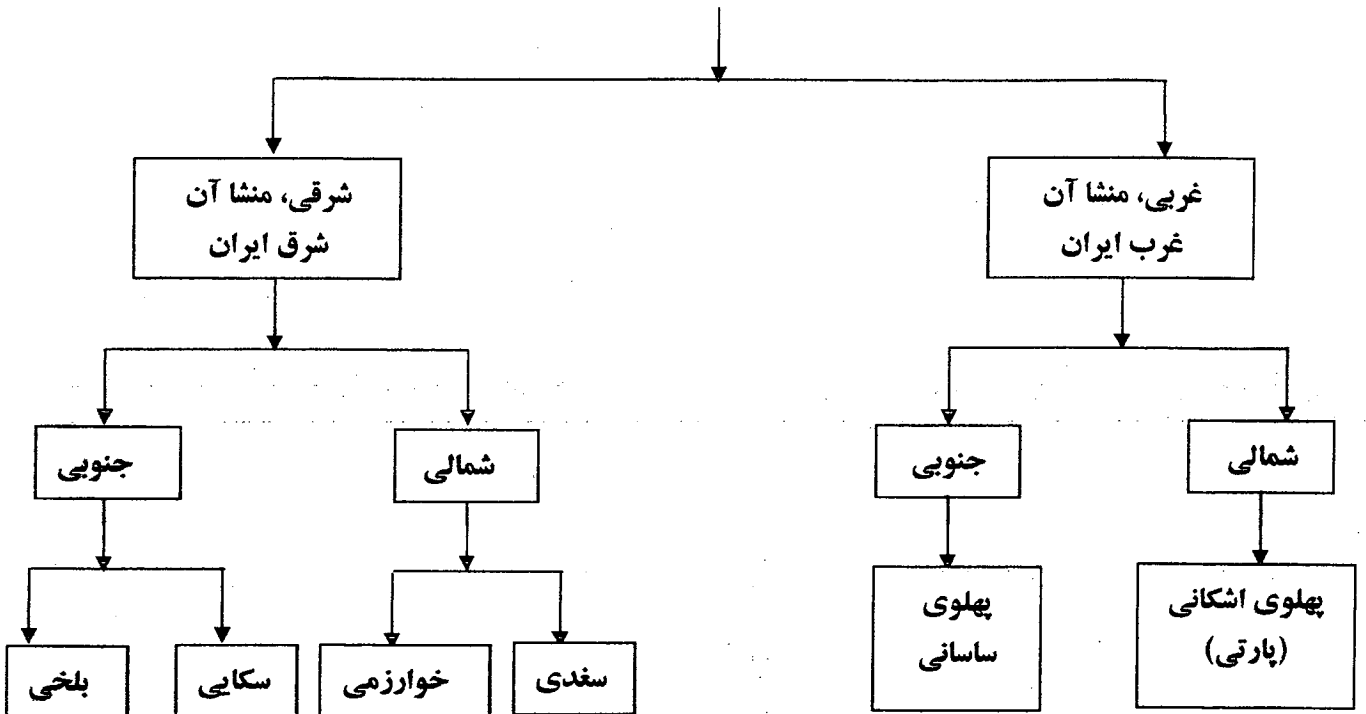
۳. ژیلبر لازار «لهجه شناسی زبان فارسی از روی متون سده های دهم و یازدهم هجری»

البته می توان از افرادی دیگر مثل لکوک، ویند فور، دوشن گیمن هم نام برد.

گویش مازندرانی جزء شاخه زبانهای ایران شمال غربی است که با بلوچی، گیلکی، کردی، تالشی، اورموری در یک دسته قرار می گیرد.

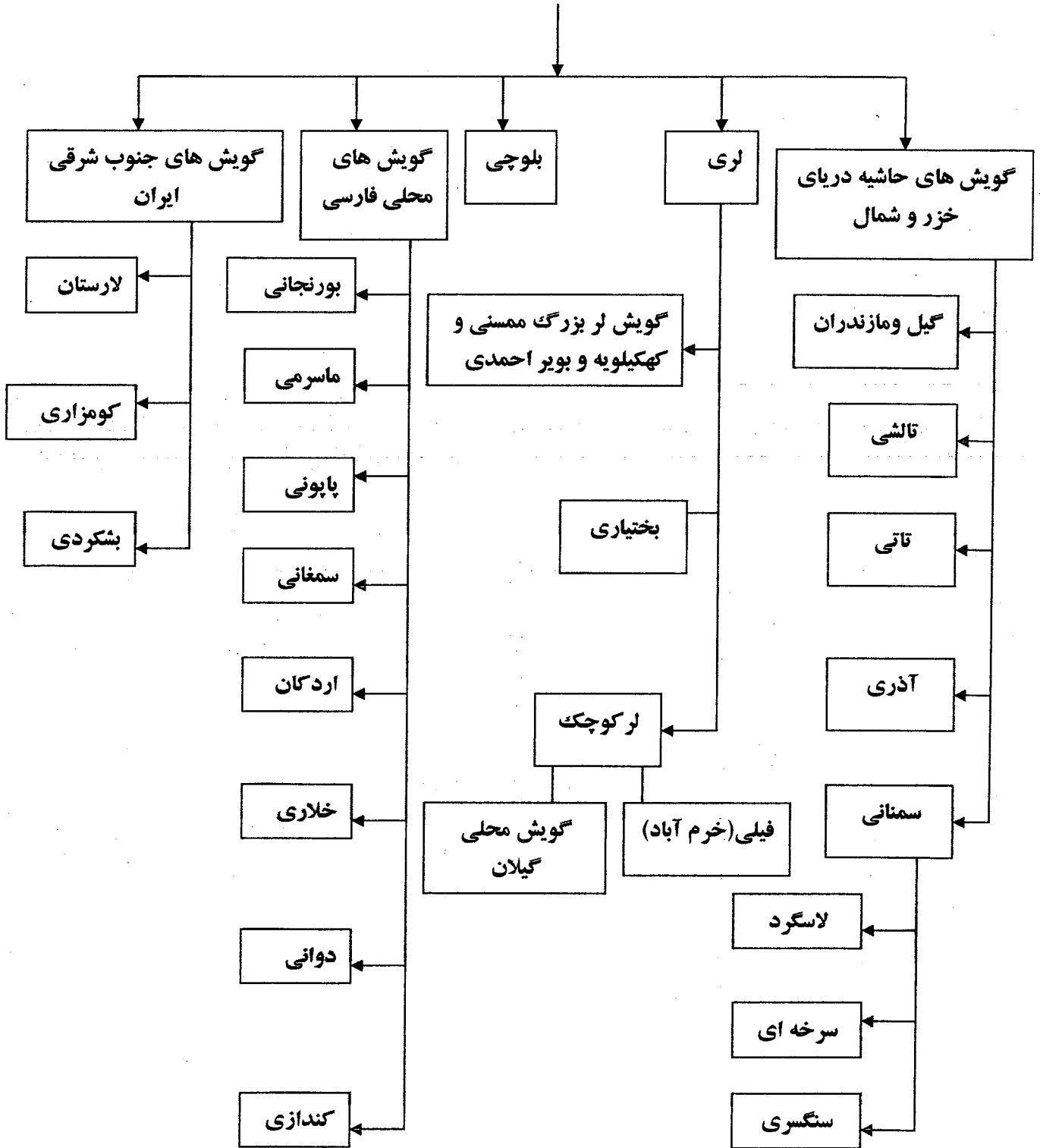
چگونگی پراکندگی گویش مازندرانی در جدول ذیل ارائه گردیده است.

### دوران میانه زبان های ایرانی<sup>۱</sup>



<sup>۱</sup> هوشمان، هاینریش. تحول آوایی زبان فارسی (از هند و اروپایی تا فارسی نو)، ترجمه بهزاد معینی سام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶، ص ۵۱.

# زبان های ایران غربی کنونی<sup>۱</sup>



<sup>۱</sup> هوشمان، هاینریش. تحول آوایی زبان فارسی (از هند و اروپایی تا فارسی نو)، ترجمه بهزاد معینی سام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶، ص ۵۳.

از آن جایی که واج های مازندرانی در حقیقت تفاوتی با واج های زبان فارسی فعلی ندارند و به دلیل آن که مشخصه های آوایی زبان فارسی بارها در کتاب های مختلف معرفی شده اند؛ از تکرار آن ها در این مجموعه صرف نظر می کنیم. به عنوان مثال، واج /P/ در همه کلمه های مازندرانی از جمله Pīš (کنار)، Bæpper (پریدن)، Peser (فرزند پسر)، Pela (برنج) دارای مشخصه های آوایی (+همخوان، -واکدار، +پیشین، -تیغه ای، -پیوسته)<sup>۱</sup> است. و یا واج /L/ در همه کلمه های مازندرانی از جمله Lave (دیگ)، Le burden (خوابیدن)، Lampa (نوعی روشنایی) دارای مشخصه های آوایی (+همخوان، +واکدار، +قدامی، +تیغه ای، +کناری)<sup>۲</sup> است. در این مجموعه سعی بر آن است تا با بررسی میدانی گویش مازندرانی، نکاتی جدید ارائه گردد. گویش مازندرانی که در متون گذشته از آن به عنوان زبان طبری یاد شده است، کم کم به خاطر نفوذ زبان فارسی اهمیت خود را از دست داد و خود زیر مجموعه ای از زبان فارسی گردید. در سالهای اخیر هم، گویش مازندرانی تا حد زیادی مغلوب زبان فارسی شد که شاید مهمترین دلایل آن، به شرح زیر باشد...

۱. گرایش جوانان به استفاده از زبان فارسی؛ به معنای کاسته شدن از تعداد گویشوران مازندرانی در آینده است.
۲. گرایش دختران جوان به فارسی می تواند به منزله افزایش فراگیری زبان فارسی از سوی فرزندان در خانواده باشد؛ زیرا دختران به عنوان مادران آینده در زبان آموزی فرزندان نقش اساسی بر عهده دارند.
۳. گرایش شهر نشینان به زبان فارسی، با توجه به توسعه شهر نشینی، به منزله کاهش جمعیت گویشوران مازندرانی در آینده است.
۴. کاربرد فارسی در محیط مدرسه به عنوان زبان آموزشی و تنها زبان ارتباطی میان معلم و دانش آموز می تواند گویش مازندرانی را در نظر دانش آموزان بی اهمیت جلوه داده و ایجاد نگرش منفی نسبت به این زبان نماید.
۵. در حوزه امور مذهبی نیز گویش مازندرانی کاربرد چندانی ندارد و این در حالی است که امور مذهبی معمولاً از آخرین پایگاه های زبان در حال تغییر در نظر گرفته می شود.
۶. نبودن علاقه مندی و دل بستگی عمیق نسبت به مازندرانی بیانگر آن است که یک عزم گروهی برای حفظ این گویش وجود ندارد.
۷. عدم استفاده رسانه های ارتباط جمعی از گویش محلی
۸. به هم خوردن ترکیب جمعیتی
۹. رفت و آمدها و مسافرت ها
۱۰. عدم تشویق استفاده از گویش محلی از سوی مقامات بلند پایه

<sup>۱</sup>. J.S.Falk. Language & Linguistic, Chapter seven,

<sup>۲</sup>. Ibid.

## مقدمه

طبری نام یکی از گویش های ایرانی است و همچنین به فردی که گویشور آن زبان باشد مازندرانی می گویند. تا سده ی ۵ هجری قمری والیان طبرستان به خط پهلوی (پارسی میانه) می نوشتند و سکه می زدند. زبان پارسی میانه از شاخه های زبان های ایرانی جنوب غربی است و با مازندرانی تفاوت دارد. دو کتیه که به خط پهلوی در *دودانگه* و *گنبد لاجیم سواد کوه* به دست آمده اند؛ مؤید آنند که گویش طبری (مازندرانی) دارای ادبیات قابل توجهی بوده است.

می دانیم که کتاب *مرزبان نامه* به گویش طبری نوشته شده و از آن زبان به پارسی دری برگردانده شد. ابن اسفندیار دیوان شعری را به گویش طبری با نام *نیکمی نامه* بازگو می کند و آن را به اسپهبد مرزبان رستم بن شروین نویسنده *مرزبان نامه* نسبت می دهد. در *قابوس نامه* نیز دو بیت به گویش طبری از نویسنده ثبت شده است. ابن اسفندیار از برخی شاعران این سرزمین که به گویش طبری شعر می گفته اند یاد کرده و نمونه ای از سروده های آنان را آورده است. در *تاریخ رویان*، اثر اولیاءالله آملی نیز ابیاتی از شاعران مازندرانی به گویش طبری ضبط شده است. به تازگی چند نسخه خطی از برگردان ادبیات تازیان به گویش طبری پیدا شده است. در قرن های نخستین پس از اسلام، تازیان دارای ادبیات گسترده ای بوده اند. مجموعه ای از دویستی های طبری به *امیری سرشناس* و به شاعری موسوم به *امیر پازواری* منسوب است، در مازندران وجود داشته که *برنهارد درن* شرق شناس روسی نسخه آن ها را به دست آورده و زیر عنوان *کنز الاسرار* در سن پترزبورگ با برگردان ترجمه پارسی چاپ کرده است. مقدسی می نویسد که زبان طبرستان به زبان ولایت قومس و جرجان نزدیک است، جز آن که در آن شتابزدگی هست.

اگر برای زبان مفهومی وسیع و عام در نظر بگیریم در تعریف آن گفته شده است: هر گونه نشانه ای که به وسیله آن بتوان حالات یا معانی موجود در ذهن خود را به دیگری انتقال داد زبان خواننده می شود.<sup>۱</sup> این که از چه هنگامی انسان قادر به تکلم شد بر هیچ کس آشکار نیست و بی شک در یک زمان موفق به دریافت مفاهیم زبانی نشده است؛ بلکه هزاران سال به طول انجامیده تا زبان از شکل ابتدایی خود به صورت فعلی در آمده است.

به طور مسلم، نیاز عمومی انسان با توجه به استعدادهای درونی موجب شد که بتواند از زبان سود جسته و به منظور رساندن مفاهیم خود به دیگران از آن استفاده و با آن سخن بگوید. همان گونه که جامعه متحول می شود، زبان نیز دچار دگرگونی شده و با توجه به شرایط اجتماعی و زیستی، تغییر و تحول پیدا می کند.

<sup>۱</sup> نجفی، ابوالحسن. زبان شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی.

متروک ماندن بعضی از کلمات و استعمال الفاظ جدید و تغییر واژه ها در ساختار زبانی، نشان می دهد که زبان امری اجتماعی است و زبان ابزاری برای برآوردن حاجات اجتماعی است. از این جاست که در طی زمان، بعضی از عناصر از بین رفته و یا کارکرد قبلی خود را از دست می دهند و عناصر تازه ای که بر معانی جدید دلالت می کنند، رایج می شوند.

## گوش طبری



پراکندگی حوزه جغرافیایی گوش طبری در منطقه مشخص شده استان گلستان

زبان میراث معنوی قوم ها و پاسدار شیوه های کهن آنان است و مهم ترین نقش آن پایداری هویت و یکپارچگی کشورهاست.

گوش طبری نیز میراث ارزشمند مردم کرانه دریای خزر است که دارای هزاران سال دیرینگی است. در ایران، قوم ها، زبان ها و گوش هایی وجود دارند که در طول هزاران سال در کنار یکدیگر بوده اند و دوشادوش هم زیسته و مرزهای ایران را نگه داشته اند. به همین رو ایرانیان از طبری، کرد، لر، آذری، بلوچ، ترکمن، گرگانی و ... همه باور دارند آن چه هویت یکپارچه به شمار می رود؛ فرهنگ ایرانی و زبان آن هاست.

گوش طبری (مازندرانی) از گوش های کهن ایران بوده که بنابر نشانه های باز مانده از پیشینیان، زمانی یکی از حوزه های زبانی کرانه های جنوبی دریای مازندران، دامنه های شمالی البرز و بخش گسترده ای از شمال ایران بوده است که هنوز شمار فراوانی از تیره ها و گروه های ایرانی بدان سخن می گویند.



از منظر زبان است که شمار زیادی از مردم کشورمان به گنجینه های گهربار میراث فرهنگی گذشتگان و تمدن دیرینه این سامان راه جسته و پژوهشگران از دریچه آن به سنت ها، سروده ها، چکامه ها، افسانه ها، اساطیر و تاریخ این مرز و بوم ژرف می نگرند.

در مناطقی از این حوزه زبانی است که هنوز شاهد ماندگاری و کاربرد آن هستیم. مناطقی که از غرب به شرق، دهکده های کوهستانی قصران کهن شامل روستاهای اوشان، فشم و آبادی های دماوند، گاجر، شموشک و از دیگر سو چهار دانگه و دودانگه هزارجریب، دهستان های شاهکوه و شاهوار کتول، فیروزکوه، سوادکوه، لاریجان، کوهستان های بندپی و چلاو، هزار و دو هزار را در بر می گیرد.

امروزه بیشتر گویشوران طبری دریکی از پر جمعیت ترین جلگه های کشور از تنکابن، در غرب استان مازندران و علی آباد کتول در شرق استان گلستان در این حوزه زبانی قرار دارند و به آن سخن می گویند که جمعیتی بالغ بر چهار میلیون نفر را در بر می گیرند.

اغلب پدیده ها، آثار خطی و نوشتاری گویش طبری در گذر سده ها و هزاره ها به سبب تاراج بیگانگان از یک سو و به دلیل نابخردی، بی کفایتی و درگیری های پیوسته اسپهبدان، امیران و ملوک تیره های بومی از سوی دیگر به دست نابودی سپرده شده است.

برگردان قرآن کریم به گویش طبری، نگارش مرزبان نامه، نیکی نامه، تاریخ رویان، اشعار منسوب به امیر پازواری، امیر مازندرانی و سیتی نساء (خواهر طالب آملی)، به این گویش گواهی بر تعمق، گستردگی و توانایی این گویش در بیان اندیشه های مذهبی، فلسفی و اجتماعی از گذشته تا حال است.

مجموعه این داشته ها گواهی می دهد که گویش طبری، زمانی از چنان گستره ای در واژگان، دستور و توانایی در بیان اندیشه بر خوردار بود که بسیاری از ادبا و نویسندگان، آثار تاریخی، فرهنگی و هنری خود را با این زبان می نگاشتند.

بی تردید می توان گفت که شمار زیادی از آثار گویش طبری نابود شده و یا هنوز ناشناخته مانده و در دسترس پژوهشگران قرار نگرفته است.

باید دانست ضرورت امروزین گسترش زبان و ادب پارسی که به عنوان یکی از دیرپاترین و ماندگارترین نهادهای تمدن و فرهنگ ایرانی و اهرم بنیادین آن ها در همگرایی و وحدت ملی است، ناخواسته سبب گسیختگی و فروپاشی گویش های بومی ایران شده؛ حال آن که هر کدام ریشه ای از ریشه های کهن درخت تنومند زبان و ادب پارسی بوده و در صورت گردآوری و ثبت و ضبط آن ها، بی شک می توان در گسترش و ژرفابخشی زبان فارسی امروز همت گماشت.

توجه بزرگانی همچون علی اکبر دهخدا و دکتر محمد معین در گردآوری برخی از واژه های طبری در فرهنگ های فارسی، نشانه اهمیتی است که دانشوران بلند آوازه این مرز و بوم برای ثبت زبان های شفاهی و در حال فراموشی قائل بوده و هستند. از این رو سودمندی گردآوری اصولی و شیوه مندی گویش ها و زبان های تیره ها و اقوام ایرانی بر هیچ خردمندی پوشیده نیست.

این گویش ها همراه با ادبیات شفاهی و گاه نوشتاری خود، جنبه های گسترده ای از تمدن، سیر اندیشه، زندگی و آرمان های مردم نواحی کشور را در گذر روزگار به ما می نمایانند.

شیوه های گوناگون زندگی ساده گذشتگان از جمله دامی و کشاورزی، نمادها و قراردادهای سنتی و اجتماعی حاکم بر روابط گله داری و زمین داری، نوع کشت و اقطاع و تیول، نام پیشه ها و گروه های اجتماعی و کاری، ابزارهای مربوط به اقتصاد دامی کهن، سلسله مراتب سیاسی در حکومت های منطقه ای و شاه نشین های کوچک، ابزارهای مربوط به صید، پوشش زنان و مردان، چگونگی بناها و ساختمان ها و مواد و ابزار ساخت آن ها، ابزار جنگی، نهادهای مبادلاتی و تجاری، انواع تعاونی ها و گونه های همکاری و همیاری مردمی، نام آبادی ها، رودها، کوهها، مراتع، پوشش گیاهی، گیاهان دارویی، نام حیوانات، آیین های دینی، خرافه ها، تابوها، ابزار موسیقی، نام گوشه ها و نغمات موسیقی، نام بازیها، نمایش و نیایش ها، جشن های ملی، قومی و شمار بسیاری از این دست در دل این واژگان خفته است و با زبان هویت می یابند.

پیچیدگی و دگرگونی های شگرفی که در سده های گذشته به ویژه در چند دهه اخیر به سبب پیدایش و گسترش رسانه ها در شیوه زندگی و گفتار مردم پدیدار شده، روند فروپاشی این واژگان را - که هر یک به نوبه خود سندی از فرهنگ ملی محسوب می شوند - تسریع نموده و با توجه به فقر منابع فرهنگی، اهمیت بازنگری و سرعت بخشیدن در گردآوری و ثبت صحیح گروه زبان های ایرانی امروزه امری ضروری به نظر می رسد.

بسیاری از این واژه ها می توانند برای پژوهشگران رشته های زبان شناسی، لهجه شناسی، مردم شناسی، قوم شناسی، تاریخ تمدن و فرهنگ و هنر، اسناد گرانبهایی به شمار آیند؛ زیرا در بسیاری از رشته ها، واژگان بومی تنها نشانه بازمانده و اسناد قابل مراجعه هستند که هر یک از این واژه ها دستمایه ارزنده ای برای پژوهشگران خواهد بود.

گویش طبری که طی چند سده به عنوان یک گویش شفاهی به حیات خود ادامه داده، ناگزیر به گونه ها و لهجه های متفاوتی تقسیم شده است.

از این گذشته حضور تیره ها و طوایف مهاجر در منطقه به ویژه مناطق جلگه ای و آمیزش مردم بومی با مهاجران و همچنین گسترده شدن رفت و آمد های بومیان با مردم سایر مناطق استان و کشور طی دو سده اخیر و رواج گسترده رسانه های گروهی متکی به زبان امروزی پاریسی و نفوذ واژگان نواحی

همجوار در محاورات مردم، گویش جلگه ها را با دگرگونی های آشکاری نسبت به چند دهه پیش همراه ساخته است.

هر چند این آمیزش در گویش برخی از مناطق جلگه ای ضرورت گردآوری و ثبت آن ها را متفی ساخت؛ اما گونه جلگه به عنوان تنها پایه و مبنای گردآوری و پژوهش گویش طبری را فاقد اعتبار کرد.

در این میان گویش نواحی کوهستانی به طور طبیعی از اصالت و سلامت بیشتری برخوردار است که می باید پایه پژوهش ها قرار بگیرد. از این رو پژوهشگران این پدیده، با اتکا به نظر صاحب نظران استان و کشور و همچنین با رایزنی های پیوسته با مراکز علمی و فرهنگی و استفاده از تجارب علمی و عملی خود چارچوب مدوتی را جهت شروع کار پی ریزی نموده اند.

بررسی کارشناسانه در جلگه ها و سپس نواحی کوهستانی موجب شناسایی دوازده لهجه مختلف در مازندران شده است.

(۱) منطقه کردکوی: شامل «هزارجریب شرقی، شاهکوه زیارت، بالاجاده، رادکان، گز شرقی و غربی و لیوان غربی و لیوان شرقی روستاهای ترکمن نشین، از زنگی محله گرگان و چهاردانگه تا گلوگاه».

(۲) منطقه بهشهر: شامل «چهاردانگه هزارجریب از سورتی تا کیاسر و روستاهای مناطق جلگه ای از گلوگاه، شاه کلیه تا انتهای منطقه غره طغان و رودخانه نکارود».

(۳) منطقه ساری: شامل «چهاردانگه از کیاسر تا کوهستان های دودانگه، جلگه های مابین میانرود و جلگه های مناطق غربی تجن رود تا جویبار».

(۴) منطقه قائم شهر: شامل «مناطق کوهستانی فیروزکوه، سوادکوه و روستاهای جلگه ای حد فاصل بین کیاکلا، جویبار و روستاهای کوهپایه ای بیشه سر».

(۵) منطقه بابل: از «مناطق کوهستانی چلا و آمل تا بندپی، امازاده حسن در سمت غربی آلاشت و نواحی جلگه ای حدفاصل فریدون کنار، بابلسر، بهنمیر، کیاکلا تا روستاهای کوهپایه ای کهنه خط، گنج افروز و بابل کنار».

(۶) منطقه آمل: از «کوهستان های بندپی تا چلاو، لاریجانان، نمارستاق آمل تا حوالی امامزاده هاشم و جلگه های دو سمت هراز، دشت سر و محمودآباد و کوهپایه ها و جلگه های چمستان، میان آمل و نور».

(۷) منطقه نور و نوشهر: شامل «بخشی از روستاهای بیرون بشم، کجور، محال ثلاث و جلگه های حد فاصل سرخرود تا رودخانه چالوس».

۸) چالوس و تنکابن شرقی: شامل «مناطق کلاریاستانی، برخی از روستاهای کوهپایه ای منطقه بیرون بشم و لنگا و نواحی جلگه ای از آب چالوس و عباس آباد و رودخانه نشتا به مرکزیت عباس آباد».

۹) تنکابن مرکزی: شامل لهجه های «دو هزار و سه هزاری و خرم آبادی و گلیجانی و چالکش یعنی جلگه های حد فاصل آب نشتا تا آب شیرود».

۱۰) منطقه علی آباد کتول: شامل «نواحی روستایی کوهستانی شمال شاهوار و مناطقی چون کتول، پیچک محله، محمودآباد، فاضل آباد و جلگه های غیر ترکمن نشین بلوک آستاراآباد قدیم».

۱۱) منطقه قصران باستانی: شامل «مناطق لاوشان، فشم، شمشک، گاجره و روستاهای کوهپایه ای توجال تا مناطق غربی رودخانه جاجرود».

۱۲) منطقه دماوند: شامل «نواحی کوهستانی شهرستان دماوند، رودهن، بومهن تا فیروزکوه». چنان چه گفته شد، گویش طبری یا تپوری مازندرانی با گویش های گوناگون از جمله زبان های کهن ایرانی بوده و بر اساس مدارک و اسناد موجود، برخی از دانشوران و سرایندگان اهل طبرستان (مازندران) آثار خود را به این زبان می نوشتند.

هم اکنون گویش طبری به زبان مازندرانی با لهجه مازندرانی مشهور شده که به دلیل تغییرات عناصر زبانی در میان روستائیان و شهرنشینان جلگه مازندران به لهجه های گوناگون تبدیل شده است.

در گذشته که اقوام مختلف به جمع آوری و تدوین قواعد زبان و ثبت الفاظ و معانی می پرداختند، همه بر یک اصل اصرار می ورزیدند و آن این که زبان صورت واحد و ثابتی دارد.

قدمت گویش طبری به اندازه ای است که می توان ریشه های بسیاری از واژه های زبان های ایرانی را که از لحاظ تاریخی حایز اهمیت است، در طبری جست و جو کرد.

گویش طبری با آن همه توانایی زبانی، شاید به علت عدم توجه پژوهشگران بومی، دچار عوامل ضعف زبانی شده و در پی آن، دیگر مسائل فرهنگی و تمدن مازندرانی نیز دستخوش فراموشی شده است.

تردید نیست که پردازش و توجه به فرهنگ مشترک یعنی استخراج واژه ها و معانی مشترک زبان ها و گویش های محلی مازندرانی خدمتی بزرگ به فرهنگ کشور خواهد بود.

همچنین زبان گفتاری مردم این خطه، طی عوامل برون و درونی و اوضاع سیاسی و اجتماعی دچار تحولات فراوانی شده است. متأسفانه از اوضاع و احوال گویش های مازندران اطلاع چندانی در دست نیست و بررسی و مطالعه پیرامون آن نیاز به یک پژوهش گسترده ای دارد.